

تشخیص هویت ژنتیکی در علوم جنایی

امین جعفری^۱

چکیده

هرچند پیشرفت‌های علمی همیشه مدنظر علم حقوق بوده است و این دانش، از علوم طبیعی برای کشف حقیقت بهره فراوان می‌برد؛ حقوق پزشکی از معدود رشته‌های مجموعه حقوقی است که همراه با پیشرفت‌های علمی رشد و نمو پیدا کرده و به روز است. از این نظر می‌توان به مطالعه و تحقیق بر روی سلول‌های بنیادین اشاره نمود. در حقیقت دغدغه‌های حقوقی برای قانون‌گذاران کشورهای مختلف نسبت به روش‌های درمانی و تحقیقی به کار گرفته شده راجع به سلول‌های بنیادین از اهمیت این موضوع حکایت دارد. در این راستا روش رد ژنتیکی روشی نوین و کار ساز (در نظام حقوقی فرانسه) و به‌عنوان آیین‌ای از حقوق پزشکی در حقوق کیفری در این مقاله مورد توجه ویژه قرار گرفته و به بسط و گسترش آن پرداخته شده است. به‌طور کلی هدف از این روش که از سلول‌های بنیادین استفاده می‌نماید، کمک به مجریان امر قضاوت برای پیش‌گیری از جرم و یافتن مرتکبین آن است. این روش در آیین دادرسی کیفری نقش دلیل اثباتی دعوی را ایفا می‌نماید و در حقوق کیفری اختصاصی برای مقابله با یک‌سری بزهکاری خاص به کار می‌رود. با این وجود، چنان‌که خواهیم دید، چنین روشی در سیستم حقوقی فرانسه خالی از اشکال نیست که قابل بحث و بررسی می‌باشد؛ همچنین جا دارد که قانون‌گذار ایرانی به این روش به دید سیستمی که برای تحقق عدالت ایجاد شده نظر افکند و تمهیداتی برای استفاده هر چه بیشتر آن در کشورمان فراهم سازد.

واژگان کلیدی

تشخیص هویت ژنتیکی؛ علوم جنایی؛ فرانسه؛ ایران

۱. دکترای حقوق کیفری تجاری از دانشگاه پاریس، پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی (نویسنده مسؤل)
Email: amin_isp@yahoo.fr

تشخیص هویت ژنتیکی در علوم جنایی

همان‌گونه که می‌دانیم با توجه به تفاوت ژنتیکی افراد در ملکول‌های وراثتی (DNA)، توانایی تمایز افراد بشر نسبت به یکدیگر به‌سادگی امکان پذیر است. این توانایی که با تکنیک «رد ژنتیکی»^۱ امکان پذیر شده، اکنون راه‌گشای حقوق کیفری برای کشف جرم گردیده است؛^۲ زیرا که رد ژنتیکی، روشی است برای تشخیص هویت افراد مختلف.

در سال ۱۹۸۵ برای اولین بار، یک محقق انگلیسی به نام دکتر «آلک جفری»^۳ تکنیکی برای تشخیص هویت افراد از طریق ژنتیک^۴ ابداع نمود. این روش تدریجاً تکمیل شد و از سال ۱۹۸۸ به این طرف، روش «توسعه ژنی»^۵ به‌عنوان مدرن‌ترین روش در رد ژنتیکی مورد استفاده قرار گرفته است. در انگلستان، کشور مبدا تشخیص هویت ژنتیکی، این روش‌ها بیشتر در تحقیقات قضایی و پلیسی کاربرد داشته است. در فرانسه نیز تحقیقات قضایی در این زمینه، موجب قانونی کردن آن و مشروعیت بخشیدن به استفاده از تکنیک‌های اثر ژنتیکی در این کشور شد.^۶ در کشور ما ایران، خلأئی در آیین دادرسی کیفری برای استفاده از روش رد ژنتیکی احساس می‌شود.

به‌طور عمده، اثر ژنتیکی برای اثبات مجرمیت یا عدم مجرمیت یک متهم به کار می‌رود. این روش به سادگی امکان‌پذیر است زیرا رد ژنتیک می‌تواند از هر بافت و عضو زیستی که شامل تعداد کافی سلول باشد، صورت بگیرد، این تعداد کافی سلولی می‌تواند در هر جایی یافت شود: مقدار اندکی خون خشک، بزاق، اسپرم، قطعات بسیار ریز پوست و یا حتی ریشه مو. در عمل، تشخیص هویت ژنتیک زمانی امکان‌پذیر است که متهم قبلاً در صحنه جرم حضور داشته باشد و سلول‌های وراثتی وی با سلول‌های وراثتی به دست آمده در صحنه جرم قابل تطبیق

باشد، در این صورت اگر هر دو یکسان باشند مجرمیت فرد مظنون (با سایر قرائن) محرز خواهد شد، ولی در صورتی که سلول‌های وراثتی با سلول‌های به دست آمده در صحنه جرم یکسان نباشد، باید در مجرمیت وی تردید نمود. با این حال و به‌طور کلی زمانی که متهم در صحنه جرم نبوده باشد و یا این که وی در صحنه حضور داشته ولی ردی بیولوژیکی از خود به‌جا نگذاشته باشد، نمی‌توان از تکنیک تشخیص هویت ژنتیکی استفاده نمود و باید به‌سراغ دیگر روش‌های اثباتی رفت.

در این راستا و در سطح بین‌المللی نیز یونسکو (سازمان جهانی برای آموزش، علوم و فرهنگ)، به اتفاق آراء در ۱۶ اکتبر ۲۰۰۳ «علامیه جهانی داده‌های ژنتیکی بشری»^۶ را در ماده ۲۵ به تصویب رسانید. کشورهای بسیاری از اصول این اعلامیه برای قانون‌گذاری در تشخیص هویت ژنتیکی الهام گرفته‌اند.^۷ در فرانسه نیز تشخیص هویت ژنتیکی در دو حوزه حقوق مدنی و حقوق کیفری قانونی شده است: در امور مدنی، رد ژنتیکی به اثبات رابطه نسبی یک فرد با فرد دیگر یا رابطه فرزندی کمک به‌سزایی می‌نماید. این امر در ماده ۱۱-۱۶ قانون مدنی فرانسه به‌طور واضح پیش‌بینی شده است.^۸ همچنین به علل مختلف پزشکی مثل بهداشت عمومی، اثر ژنتیکی می‌تواند مؤثر باشد.^۹ با این حال بیش‌ترین استفاده از رد ژنتیکی همان‌گونه که در سطور بالا اشاره شد در مسأله تشخیص نسب باقی مانده و یا در حقوق کیفری در امر ادله اثبات دعوی کارسازتر بوده است.

در حقوق جنایی، روز بروز این روش بیش‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرد: در ابتدا تکنیک رد ژنتیکی برای تشخیص هویت غریق یا جسد خفه شدگان گاز منوکسید کربن، قربانیان جنگ و یا سوانح هوایی مورد استفاده قرار می‌گرفت. در انگلستان، قانون‌گذار این کشور به فراوان از این روش در جهت تشدید قوانین مهاجرت‌پذیری استفاده نمود. با این حال رد ژنتیکی به این موارد محدود نشده،

همان‌طور که در سطور پایین خواهیم دید، دولت فرانسه با تعیین مقررات خاص از این سیستم در امور کیفری و به‌طور گسترده‌ای بهره برده است. اولین سؤالی که در برخورد با این روش مطرح می‌شود این است که آیا تشخیص هویت ژنتیکی و یا رد ژنتیکی می‌تواند به همان‌گونه که اثر انگشت قابل اعتماد است، نقش ایفا نماید؟ آیا باید تکنیک ژنتیکی را صددرصد و به عنوان یک دلیل کامل اثباتی دعوی که خطاناپذیر است پذیرفت؟ برای پاسخ به این سؤال شایسته است که شرایط و چگونگی استفاده از این روش و نیز مشکلات و پیچیدگی‌هایی که می‌تواند در اجرای آن به وجود آید را بررسی نمود:

۱- جایگاه تکنیک رد ژنتیکی در آیین دادرسی کیفری

ردیابی ژنتیکی در آیین دادرسی کیفری می‌تواند یکی از دلایل اثبات دعوی باشد. اما سؤال اینست که آیا حقوق کیفری روش ردیابی ژنتیکی به‌عنوان یک دلیل اثباتی بیولوژیکی را همان‌گونه که هست می‌پذیرد؟ این سؤال به این جهت مطرح می‌شود که نحوه اجرای تشخیص هویت ژنتیکی می‌تواند مشکلات زیادی در زمینه حقوق اساسی و آزادی‌های فردی ایجاد نماید. از نظر تکنیکی باید در ابتدا دانست که تا چه حد تشخیص هویت ژنتیکی قابل اعتماد است^{۱۱} و از نظر اخلاقی، تا چه حد تحقیقات قضایی برای رسیدن به واقعیت می‌تواند حقوق اساسی و فردی را کنار بزند؟ جدای از این که چه کسی یا سازمانی می‌تواند و موظف به انجام ردیابی ژنتیکی است، تقاضا برای تشخیص هویت ژنتیکی نیز محدود است: برای آن که لابراتوارهای فرانسوی صلاحیت اجرای تشخیص هویت بر اساس اثر ژنتیکی را داشته باشند، قانون‌گذار آن‌ها را موظف به دارا بودن یک سری استانداردهای کیفی می‌نماید.^{۱۲} این امر در دادرسی قضایی (و نه در تشخیص هویت برای مقاصد پزشکی) پیچیده‌تر می‌شود چرا که افراد و سازمان‌هایی که موافقت رسمی دولتی

برای اقدام به این مهم را دارند باید قبلاً نامشان در فهرست کارشناسان قضایی ثبت شده باشد. (ماده ۱۲-۱۶ قانون مدنی).

علاوه بر شرایط کلی ذکر شده در مورد صلاحیت سازمان‌های ذی‌ربط، تشخیص هویت ژنتیکی در چند مورد محدود در آیین دادرسی کیفری وارد شده است. برای استفاده از رد ژنتیکی تبعیت از یک سری قواعد دادرسی و شکلی الزامی است (الف)، همان‌طور که بهره برداری از این تکنیک محدود به یک سری از جرایم معین می‌شود (ب).

الف- شرایط شکلی برای ردیابی ژنتیکی

این شرایط شامل موارد ذیل می‌باشد:

۱- اصل ارجاع به تشخیص هویت ژنتیکی:^{۱۳} این اصل برای اولین بار در کمیته وزرای شورای اروپا مطرح شد با این توجیه که مقابله با جرم روش‌های مدرن‌تر و مؤثرتری از قبل را می‌طلبد، به‌همین منظور روش‌های تحلیلی DNA نقش بسیار مهمی را در سیستم قضایی کیفری ایفا می‌کنند؛ خصوصاً اگر این تحلیل در جهت اثبات بی‌گناهی یا گناه‌کاری متهم باشد.^{۱۴} همچنین این اصل در قانون مدنی در ماده ۱۱-۱۶ بیان شده و هیچ‌گونه مقررات خاصی در این زمینه در آیین دادرسی کیفری ذکر نگردیده است. این در حالی است که استفاده از ردیابی ژنتیکی باید در چارچوب یک‌سری اصول مهم در دادرسی جزایی صورت پذیرد. اصول مهم مذکور در ماده مقدماتی آیین کیفری به‌طور کلی بیان گردیده است. مجموع این اصول حاصل قانون ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰ می‌باشد که در جهت تحکیم جایگاه "اصل برائت" و حقوق مجنی علیه وضع شده است.^{۱۵}

۲- اثبات دلیل ژنتیکی: با توجه به اصل آزادی ارائه دلیل در امر کیفری، از لحاظ تئوری طرفین دعوی آزادند که دلیل ژنتیکی خود را در جهت محکومیت و

یا براءت متهم ارائه نمایند. چنان که می‌دانیم، بار اثباتی دلیل ژنتیکی در جهت محکومیت یک متهم به عهده دادرسی است. از این جهت، دادرسی با رد ژنتیکی که متهم در صحنه جرم برجا گذارده است، تلاش در جهت اثبات مجرمیت وی می‌نماید. همچنین است که مجموع دادرسی کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی سعی بر آشکار نمودن این راز دارد که آیا رد ژنتیکی به‌دست آمده با واقعیت برابر است یا خیر؟ در حقیقت روشی که ردیابی ژنتیکی بر آن استوار است، یک روش مطابقتی و احتمالی است. چراکه همان‌طور که گفته شد، بر اساس مقایسه دو مشخصه ژنتیکی صورت می‌گیرد (یکی آن که از آن متهم است و دیگری آن که بر اساس رد بیولوژیکی در صحنه جرم به‌دست آمده است). اگر این دو مشخصه یکی باشند، تنها احتمال بسیار ضعیفی (یک بر صد میلیون) وجود دارد که تشخیص هویت مطابق با واقعیت نباشد.

۳- چگونگی رجوع به تحلیل ژنتیکی در تشخیص هویت: قانون آیین دادرسی کیفری به بازپرس این اجازه را می‌دهد که حتی در مرحله بازجویی و بازپرسی، سریعاً به تکنسین‌های ژنتیکی در جهت تفسیر رد ژنتیکی که توسط پلیس قضایی به‌دست آمده است، رجوع نماید. در مورد جرم مشهود نیز، با توجه به ضرورت تحقیقات مقدماتی، پلیس قضایی می‌تواند شخصاً یا به نمایندگی وی فرد دیگری، در جهت برداشت بافت لازم برای آزمایش تکنیکی و علمی تطبیق با اماره‌ها و علائم به‌دست آمده در صحنه جرم، اقدام نماید. برداشت بافت، از هر فردی که ظن حضور وی در ارتکاب جرم رود یا از هر فردی که دلیل مؤثر وقوی نسبت به وی موجود است که در زمان ارتکاب جرم به نحوی از انحاء در صحنه بوده یا در ارتکاب آن دست داشته و یا این که قصد شروع به اجرای آن را داشته است، صورت خواهد گرفت. (شق اول ماده ۱-۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری).^{۱۶}

در مورد تحلیل رد ژنتیکی بدست آمده این نکته قابل ذکر است که بخش نامه ۱۰ اکتبر ۲۰۰۰ تأکید به دقت در مطابقت رد بدست آمده با فرد مظنون می نماید. این بخش نامه با یادآوری به این که برداشت بافتی نباید به عنف صورت بگیرد عنوان می نماید که: "تحلیل و آنالیز یک نمونه مادی بیولوژیکی که به طور طبیعی از پیکره انسان جدا شده است، مانند موهایی که در شانه یافت شود و یا اثر بزاقی که هنوز بر روی لیوان باقی مانده است، باید با این دید که اوضاع و احوال و قراین قوی دال بر انتساب فرد متهم نسبت به آثار بدست آمده باشد، انجام گیرد". لازم به ذکر است که هنوز نسبت به نحوه و چگونگی برداشت های بیولوژیکی تردیدهایی وجود دارد که بعداً به آن می پردازیم.

در نهایت نسبت به برداشت بافت از یک گروه معین، قانون گذار فرانسوی به عکس برداشت بافت یک مظنون، در مورد متهمینی که نامحدود هستند (مانند مردم یک شهر) اخذ رضایت را لازم می داند.

ب- ردیابی ژنتیکی و تحقیقات قضایی

ردیابی ژنتیکی نسبتاً با سیستم قضایی فرانسه سازگار گشته و دستگاہ قضایی در امور کیفری از ردیابی ژنتیکی بهره فراوان می برد. این سازگاری چه در مرحله تحقیقات و برای صدور حکم است و یا پس از آن:

۱- قاضی تحقیق و اثر ژنتیکی: قانون آیین دادرسی کیفری به قاضی تحقیق اجازه می دهد که از تکنیک تشخیص هویت ژنتیکی برای کشف حقیقت استفاده نماید؛ رجوع به تشخیص هویت ژنتیکی باید با رعایت حقوق متهم در دفاع صورت پذیرد (مواد ۸۱ و ۱۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه).

هر چند که طرفین دعوی این حق را دارند که به کارشناسان قضایی به منظور تشخیص هویت ژنتیکی مراجعه نمایند، با این حال این قاضی تحقیق است که

تشخیص می‌دهد این امر باید صورت پذیرد یا خیر. چون قاضی تحقیق تصمیم گیرنده نهایی برای انتخاب کارشناس است (ماده ۱۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه). وی حتی می‌تواند در موارد ضروری از چندین کارشناس به جای یک نفر استفاده نماید. همچنین است که بعد از قانون اصلاحی مصوب ۱۵ ژوئن ۲۰۰۰، دادسرا یا هر یک از طرفین دعوی که تقاضای کارشناس نماید میتواند مجموعه سؤالاتی را که قرار است از وی پرسیده شود، بطور کتبی همراه با تقاضای کارشناس ارائه نماید که قاضی تحقیق آن را مطالعه نموده و لزوم یا عدم ارجاع به کارشناس را بررسی نماید. به عقیده ما این انحصار تصمیم‌گیری همیشه سودمند نخواهد بود و باید بگونه‌ای باشد که حقی را از کسی تضییع ننماید.

با این حال ذکر این نکته خالی از لطف نیست که اگر قاضی تحقیق، تقاضای مراجعه به کارشناسی را رد نماید، این تصمیم باید مطابق قانون بر علتی استوار باشد و حداکثر تا یک‌ماه از روزی که تقاضانامه را دریافت می‌دارد، باید رد آن را با دلیل اعلام نماید. در مورد طرفین دعوی، آن‌ها نیز می‌توانند نسبت به رد تقاضا برای تشخیص هویت ژنتیکی توسط قاضی تحقیق، تقاضای تجدیدنظر نمایند. مسأله رد نظر کارشناسی نیز در قانون پیش‌بینی گردیده است. با این‌همه، این بسته به رئیس شعبه تحقیق دادگاه تجدیدنظر است که تجدیدنظر طرفین را قبول نماید یا خیر (گر چه تجدیدنظرخواهی در پیچ و خم نظر رئیس شعبه تحقیق دادگاه تجدیدنظر که می‌تواند هم عقیده با قاضی تحقیق باشد، خود حکایت دیگری است). نسبت به نتیجه کارشناسی، قاضی تحقیق آن را به طرفین و وکلایشان اعلام می‌کند، افراد مذکور چنان‌چه گفته شد، در صورتی که به نتیجه آزمایش و تحلیل‌های کارشناس اعتراض داشته باشند و یا آن‌را خلاف واقع بدانند، می‌توانند درخواست تجدیدنظرخواهی بنمایند.

۲- مرکز ملی خودکار اسناد ژنتیکی (FNAEG)^{۱۷}: آیین‌نامه ۳۰ آوریل ۲۰۰۲ در کتاب چهارم آیین دادرسی کیفری در عنوان دهم آن "مرکز ملی خودکار اسناد ژنتیکی و سرویس مرکزی برای نگه‌داری از برداشت‌های بیولوژیکی" را تعریف نموده است. در ابتدا پیش‌بینی شده بود که این سرویس تنها در جهت حفظ هویت ژنتیکی مرتکبین جرایم جنسی مورد بهره‌برداری قرار گیرد، اما در جریان دو قانون‌گذاری: نخست قانون ۱۵ نوامبر ۲۰۰۱ (موسوم به قانون امنیت روزمره) و قانون ۱۸ مارس ۲۰۰۳ (موسوم به قانون امنیت داخلی) دامنه مرکز ملی خودکار اسناد ژنتیکی (FNAEG) بسیار گسترده شد. از این پس علاوه بر جرایم جنسی ذکر شده در قوانین آیین دادرسی کیفری و قانون جزایی فرانسه، FNAEG مسئول گردآوری مجموعه آثار ژنتیکی مرتکبین جرایم زیر می‌باشد:

- جرایم ضد بشریت و جرایم و جنحه‌های ارادی علیه حیات بشری، شکنجه، خشونت‌های ارادی، تهدید به سلب حیات؛
- قاچاق مواد مخدر، به بردگی و داشتن، قوادی، سوء استفاده از دیگری برای تکدی‌گری و به خطر انداختن حیات صغیر؛
- جرایم و جنحه‌های علیه اموال مانند دزدی، کلاه‌برداری، تخریب اموال و تهدید علیه اموال دیگری؛
- جرایم علیه منافع حیاتی کشور، تروریسم، جعل پول، اجتماع و تبانی به منظور ارتکاب جرم؛
- بزهکاری اختفای مال و پول‌شویی برخی جرایم اقتصادی.

اولین عکس‌العمل دکتین حقوق نسبت به گستردگی این مجموعه جرایم پیش‌بینی شده برای ضبط و نگهداری، پیدا کردن شاخصه‌های مشترک در این لیست طولانی است. به نظر می‌رسد کلی‌ترین پاسخ، شدت وحدت این‌گونه جرایم است (چنان‌که می‌بینیم جرایمی علیه بشریت، قاچاق مواد مخدر، علیه منافع یک

کشور... در این فهرست جای گرفته است) ولی به نظر می‌رسد که این دلیل کافی نیست زیرا هنوز این سؤال بی‌پاسخ است که چرا مرتکبین جرایمی با درجه پایین‌تر مانند سوء استفاده از تکدی‌گری و یا دزدی ساده (که هر دوی این‌ها از لحاظ طبقه بندی جنحه‌ای^{۱۸} هستند) باید تابع قوانین ثبت پرونده کیفری خود در FNAEG باشند^{۱۹}؟ به همین دلیل است که دکترین فرانسه نگرانی خود را از این مسئله ابراز نموده، چرا که به عقیده بسیاری از نویسندگان - و نیز به نظر ما - در نظر گرفتن یک شاخصه کامل و دادن چارچوبی منظم برای ثبت آثار ژنتیکی امری واجب می‌نماید. زیرا که اگر بپذیریم روش رد ژنتیکی یک روش برای اثبات دعوی است، لذا این امر باید برای همه جرایم و بدون استثنا صورت پذیرد، ولی اگر بگوییم که روش تشخیص هویت ژنتیکی به‌عنوان دلیل اثباتی، تنها برای برخی جرایم است و نه همه آن‌ها پس باید تلاش در چارچوب‌دهی جرایم مربوط به آن نمود و با توجه به شدت و نوع بزه صورت گرفته، جرم مربوطه را در فهرست مذکور وارد نمود یا از آن خارج کرد. نگرانی، از این موضوع نیز نشأت می‌گیرد که گستردگی جرایم مذکور می‌تواند به برخورد سلیقه‌ای و تفسیرهای نابه‌جای مجریان ثبت بینجامد.

مشغولیت ذهنی برخی اساتید حقوقی فرانسه کاملاً قابل درک است چرا که علاوه بر موارد گفته شده، اجرای مجموعه اسناد ملی ژنتیکی در اختیار پلیس قضایی می‌باشد. با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری، نحوه اجرای ثبت و نگه‌داری اسناد ژنتیکی مرتکبین جرایم مذکور به‌عهده مدیریت مرکزی پلیس قضایی در وزارت کشور سپرده شده است. ناگفته نماند که در این مرکز اسناد یک قاضی دادگستری یا یک دادستان نظارت می‌کند (شق دوم ماده ۹-۵۳ R آیین دادرسی کیفری). واضح است که حضور یک کارمند قضایی تا حدی این برخوردهای سلیقه‌ای را تعدیل خواهد کرد.

داده‌های ثبت شده در مرکز ملی اسناد ژنتیکی:

مطابق ماده ۱۰-۵۳ R قانون آیین دادرسی کیفری موارد زیر داخل باید در مرکز ملی اسناد ژنتیکی ثبت و نگهداری شوند:

- رد بیولوژیکی برداشت شده در زمان بازجویی و بازپرسی در جرم مشهود و یا در جلسات تحقیقات مقدماتی از افرادی که هویت ژنتیکی آنها هنوز ناشناخته است، در مورد یکی از جرایمی که قبلاً ذکر گردید؛

- نمونه‌های بیولوژیکی بدست آمده در قالب تحقیقات مقدماتی، بازپرسی در جرم مشهود یا در تحقیقات ابتدایی نسبت به اشخاصی که امارات و نشانه‌های قوی یا نسبتاً قوی موجود باشد که عقلاً اثبات ارتکاب جرایم در پیش عنوان شده را بنماید، - نمونه‌های بیولوژیکی برداشت شده از اجساد که امکان تشخیص هویت آنها وجود نداشته است یا این که برای عموم ناشناس باشند، برای شناخت دلایل مرگ و یا تحقیق علل ناپدیدشدگی مشکوک در چارچوب تحقیقات قضایی به دست آمده باشد؛ - نمونه‌های بیولوژیکی برداشت شده از افرادی که محکومیت آنها نسبت به جرایم پیشین قطعی شده باشد. که این امر باید در طول مدت یکسال از زمانی که حکم آنها قطعیت یافته اجرا شود - منوط به اینکه قبلاً در جریان تحقیقات قضایی برداشت - انجام نگرفته باشد.

نحوه دسترسی به این داده‌ها به این صورت است که دادرسی که روند ثبت اسناد ژنتیکی را نظارت می‌کند و یا کارمندان پلیس تکنیک و علمی وزارت کشور و نیز پرسنل رسمی انستیتو تحقیقات جنایی در ژاندارمری کشور می‌توانند از محتویات پرونده‌های ژنتیکی آگاه شوند.

نگهداری و امحاء اسناد ژنتیکی:

نگهداری و امحاء اسناد ژنتیکی نیز تابع یک‌سری مقررات شکلی است و مدت نگهداری آن محدود است. این مدت اخیراً توسط آیین‌نامه ۲۴ می ۲۰۰۴ تغییر

یافته است. پس از این آیین‌نامه، بیش از ۴۰ سال نمی‌توان این اسناد را نگهداری نمود. این مدت در تحقیقات مقدماتی از روزی که تقاضای نگهداری اسناد ژنتیکی صورت گرفته است، شروع می‌شود. در مورد محکومیت متهم شروع آن روزی خواهد بود که محکومیت قطعی شده باشد و اگر این شخص محکوم نشده باشد و تنها امارات و دلایل قوی بر ارتکاب جرم وی رود، مدت نگهداری تنها ۲۵ سال خواهد بود. با این حال اگر برای این افراد قرار منع تعقیب صادر شود (مانند آزادی وی توسط قاضی تحقیق) و یا قرار موقوفی تعقیب به جهت جنون وی در جریان دادرسی، دادسرا مرکز اسناد ملی را آگاه می‌سازد تا این مرکز ظرف ۴۰ سال از روز صدور قرار، سند ژنتیکی وی را نگهداری نماید.

آیین‌نامه ۲۴ می ۲۰۰۴، همچنین در روند امحاء اسناد ژنتیکی مقررات جدیدی را وضع نموده است. تقاضای پاک کردن سند ژنتیکی به صورت کتبی از دادستانی امکان‌پذیر است. در صورتی که دادستان از این تقاضا سرباز زند یا پاسخی ارائه نکند، متقاضی ظرف مدت ۱۰ روز میتواند به قاضی آزادی‌ها و بازداشت^{۲۰} تقاضای کتبی خود را اعلام نماید. این بار نیز اگر قاضی آزادی‌ها و بازداشت این تقاضا را رد نماید، امکان در خواست تجدیدنظر در برابر رئیس شعبه تحقیقات دادگاه تجدید نظر وجود خواهد داشت.

در مورد جسدی که هویت آن ناشناخته بوده است، نیازی به تقاضای امحاء سند ژنتیکی نیست زیرا به محض آگاهی کامل از هویت آن خود به خود این سند نیز حذف خواهد شد. همچنین است برای آثار ژنتیکی اجداد و اولاد مفقودالایر که به محض اطلاع از زنده بودن و یا یافتن وی این اسناد محو خواهند شد.

۲- رد ژنتیکی و موانع در برابر عدالت کیفری فرانسه

هرچند که تکنیک تشخیص هویت بر اساس رد ژنتیکی روشی مؤثر و مفید است، تازه بودن آن حاوی نقایصی است که می‌تواند به حقوق فردی و شهروندی

دیگران لطمه زند. زیرا اگر بپذیریم که رد ژنتیکی یک دلیل اثباتی دعوی است، بنابراین مانند دیگر ادله اثبات دعوی می‌تواند به نوعی مانعی برای عدالت کیفری باشد. اگر چه این نکته صحیح است که رد ژنتیکی سندی متقن وقوی در اثبات امر کیفری است مع‌هذا در ابتدای امر، این دادرسی پرونده است که نسبت به سندیت یا عدم آن و درجه و چگونگی ارزش‌دهی به این دلیل صاحب اختیار مطلق است. مشکلات رد ژنتیکی تنها مربوط به مقررات آیین دادرسی کیفری نیست، این تکنیک به عنوان یک دلیل تام، کامل و غیر قابل انکار نیز می‌تواند مشکل‌ساز باشد. قانون‌گذار فرانسوی نسبت به برخی از این نقاط ضعف آگاه بوده و خواهیم دید که آن‌ها را اصلاح نموده اما در موارد دیگری به طور واضح این معایب رفع نشده و رویه قضایی نیز نتوانسته چنان که باید، راه‌گشا باشد.

طبق آنچه که گفتیم، در این بخش مسائلی که از نظر اجرایی در آیین دادرسی، ردیابی ژنتیکی را زیر سؤال می‌برد بحث خواهد شد (الف) و همچنین در حوزه حقوق جزای اختصاصی مشکلاتی که اثر ژنتیکی می‌تواند ایجاد کند، مورد بررسی قرار خواهد گرفت (ب):

الف- کارآیی سیستم ردیابی ژنتیکی در آیین دادرسی کیفری

بیش‌ترین نواقص غیر قابل انکار در اجرای رد ژنتیکی به‌عنوان یکی از دستاوردهای مهم حقوق پزشکی در علوم کیفری، نحوه اجرای آن از نظر شکلی است. یعنی این که در جریان دادرسی، اگر چه سیستم تشخیص هویت ژنتیکی در جهت کشف حقیقت بسیار مؤثر است، اما برخی حقوق دیگر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و به نوعی آن‌ها را تضییع می‌نماید و یا این که آن‌طور که باید و شاید نمی‌تواند مؤثر واقع شود. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- رضایت فردی و برداشت اجباری

مسأله رضایت مظنون یا متهم در برداشت بافت وی، برای پی گیری ژنتیکی تا هم اکنون نیز موضوعی زنده و قابل بحث بوده است. بدان جهت که از یک طرف برداشت بافت به طور اجباری علناً خلاف اصل "تغیر قابل تعرض بودن جسم انسان"^{۲۱} در حقوق پزشکی است. این اصل که به طور صریح در ماده ۱۱-۱۶ قانون مدنی عنوان شده است (...رضایت فرد مظنون باید در بدو امر به طور صریح اخذ شده باشد)، خود به دو اصل مهم دیگر یعنی اصل رضایت^{۲۲} در امور پزشکی و قاعده ضرورت درمانی^{۲۳} ختم می شود. مفهوم قضایی غیر قابل تعرض بودن، آن است که فرد به طور آزادانه می تواند از انجام اقدامات پزشکی که خلاف اراده و خواست اوست سر باز زند حال آن که در مورد رد ژنتیکی، مسأله به این صورت اتفاق نخواهد افتاد و بسته به نظر دادرس این امر صورت می گیرد. از طرف دیگر، برداشت بافت در صورت عدم رضایت فرد خلاف قواعد حقوق بشر است. با توجه به این که بر اساس کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، هر فردی به محض دستگیری حق سکوت دارد^{۲۴} و نمی توان او را مجبور به اعتراف علیه خود نمود^{۲۵}، اما قانون گذار فرانسوی در قانون ۱۸ مارس ۲۰۰۳ (معروف به قانون امنیت داخلی)، با وضع یک ماده در آیین دادرسی کیفری (ماده ۵۶-۷۰۶) هرگونه امتناع مظنون یا متهم از در اختیار قرار دادن خود برای برداشت بیولوژیکی و تحلیل اثر آن را قابل مجازات می داند. این مجازات یک سال حبس و ۱۵ هزار یورو جریمه نقدی خواهد بود. این کیفر زمانی که عدم تبعیت از برداشت ژنتیکی از، ونه از یک متهم ساده، صورت بگیرد، دو برابر خواهد شد. نکته جالب اینجاست که حتی اجازه جمع هر دوی این مجازات ها به قاضی داده شده است بدون این که یکی در دیگری تداخل ایجاد نماید.

این در صورتی است که همان‌طور که گفته شد حق سکوت برای متهم حتی در مورد برداشت بافت برای رد ژنتیکی نیز صدق می‌کند. در همین راستا است که بسیار زودتر از قانون امنیت داخلی، دیوان اروپایی حقوق بشر رأی در سال ۱۹۹۶ علیه انگلستان صادر نمود و این نکته را گوش زد کرد که در جریان تشخیص هویت ژنتیکی بایستی حق سکوت متهم به‌عنوان اصل "عدم تقبل مجرمیت" حفظ گردد.^{۲۶}

با این اوصاف مقنن فرانسه با متمایز نمودن تشخیص هویت ژنتیکی در مورد افراد مختلف سعی نموده این کاستی نسبت به تبعیت از حقوق بشر اروپایی را جبران نماید. در واقع مجازات امتناع از برداشت ژنتیکی تنها شخص متهم به ارتکاب جرم را دربر می‌گیرد و نه افرادی که می‌توانند در دادن اطلاعات به گونه‌ای مفید واقع شوند. به این صورت که اجداد، اولاد و شهود می‌توانند در هر لحظه بدون اینکه ترسی از مجازات داشته باشند، از در اختیار قرار دادن خود برای تشخیص هویت ژنتیکی سرباز زنند. در مورد متهمین به ارتکاب جرم، همان‌طور که گفتیم، این امر صورت دیگری پیدا می‌کند. هر چند که به دفعات متوالی، دیوان اروپایی حقوق بشر کشورهای متعهد را از گرفتن اطلاعات تحت فشار منع مینماید، قانون فرانسه با وضع مجازات امتناع کنندگان از برداشت ژنتیکی، به گونه‌ای از تیر رس محکومیت دیوان اروپایی در امان مانده است. زیرا این قانون امر به اعمال فشار برای اخذ اطلاعات بصورت برداشت ژنتیکی نمی‌نماید بلکه تنها کسانی را که از برداشت ممانعت نمایند، کیفر می‌نماید؛ بدین گونه مقنن فرانسوی با جابه‌جا نمودن کلمات به هدف خود یعنی کشف حقیقت - و هر چند که خلاف قواعد حقوق بشر باشد - نایل می‌گردد. به عقیده نگارنده مقاله، در هر صورت این چنین برداشتی به عنف صورت گرفته و محکوم است.

هم‌چنین این نکته را نباید از نظر دور داشت که حتی افرادی که قانوناً می‌توانند از برداشت امتناع نمایند از دیدگاه قاضی بی‌اعتبارند و در جریان دادرسی از یک

دریچه بی‌اعتمادی به آن‌ها و گفتارهایشان توجه می‌شود. بدان‌حد که حتی مخالفت در برداشت رد ژنتیکی به یک محکومیت از قبل پیش‌بینی شده منجر خواهد شد. به این دلیل که اگر مظنون در ارتکاب جرم دستی نداشته است پس دلیل ترس از شناسایی رد و هویت ژنتیکی که به صورت امتناع شکل می‌گیرد چیست؟ فردی که در این زمینه مخالفت می‌کند پس حتماً چیزی برای سرزنش خود و پنهان کردن دارد!

۲- نقش قاضی در برخورد با دلیل هویت ژنتیکی

در زمینه ادله اثبات در حقوق کیفری، اگر چه اصل آزادی ارائه دلیل وجود دارد و رد ژنتیکی باید با توجه به این اصل، بی‌چون و چرا پذیرفته شود اما از طرف دیگر و بهمان نسبت نیز اصل علم و یقین قاضی^{۲۷} استوار گردیده است (مواد ۳۵۳، ۴۲۷، ۵۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری). این اصل که در کلیه مراحل آیین دادرسی وجود دارد (چه در مرحله تحقیقات مقدماتی یا تحقیقات قضایی و یا در مرحله دادرسی)، به این معنا است که قاضی با آزادی کامل ارزش ادله‌ای که به وی در جریان دادرسی ارائه شده می‌سنجد^{۲۸} و اوست که تصمیم می‌گیرد که آیا این دلیل می‌تواند بار حقوقی داشته باشد یا خیر. به همین صورت قاضی تحقیق و یا شعبه جنایی یک دادگاه مستقل از نظریات کارشناسی و بدون تبعیت از کارشناس می‌توانند رأی صادر کند. حال اگر نظر کارشناسی مبنی بر انطباق دو رد ژنتیکی باشد (و به عبارت دیگر متهم مرتکب جرم باشد)، با این حال این قاضی پرونده است که نظر خود را به‌عنوان آخرین فرد تأثیرگذار در پرونده اعلام می‌نماید (هر چند که نباید حضور هیأت‌منصفه در جریان دادرسی جنایی و نظر این هیأت را انکار نمود). این مورد یک نقطه ضعف اساسی بشمار می‌رود زیرا در عمل ارزش حقوقی زیادی بر تشخیص هویت ژنتیکی بار نمی‌کند.

با تمام این اوصاف نسبت به اصل علم قاضی محدودیت‌هایی بار شده است و آن این که آرای دادرسان باید مدلل و موجه باشد و به همین طریق، تصمیمات قضایی نباید حق دفاع برای متهم را نقض نماید. بنابراین انتظار داشتن از قاضی به اینکه رأی با دلیل و موجه ارائه نماید می‌تواند تا حدی جبران گستردگی اصل یقین قاضی را بنماید و می‌توان امید داشت که قاضی خود را ملزم به رعایت نتیجه تحلیل‌های کارشناس ژنتیکی نماید.

مضاف بر این که از لحاظ تئوری، کارشناس ژنتیکی استثنایی بر اصل یقین دادرس نیست و در عمل در امور جنایی نیز به یقین هیأت منصفه و این که چقدر برای این هیأت تشخیص ژنتیکی بار ارزشی دارد می‌توان امید بست. گو این که، عمل کارشناس ژنتیکی نیز یک فعالیت انسانی است و مانند کلیه فعالیت‌های بشری باز امکان خطا و اشتباه در آن، هر چند اندک می‌رود و این تیزبینی قضات و وکلا را می‌طلبد که شرایط برداشت بافت، نگه‌داری رد ژنتیکی و نیز روش‌های اتخاذ شده در لابراتوارها و مراکز پزشکی در زمان تشخیص هویت ژنتیکی را ارزیابی نموده و یا در برخی موارد بدان اعتراض نمایند.

در کل باید گفت که ارزش‌دهی به تشخیص هویت ژنتیکی - همان‌گونه که گفته شد - بستگی به شرایط زیادی دارد و صددرصد پذیرفتنی نیست. هر چند که اصالت رد ژنتیکی به عنوان یک دلیل اثباتی دعوی می‌تواند مورد تردید قرار گیرد، اما در برخی مواقع اثر ژنتیکی به عنوان دلیل اثباتی دعوی بسیار قوی حضور می‌یابد، بدین صورت که می‌تواند به طور کاذب و بدون این که منطبق با واقعیت باشد نقش یک دلیل را ایفا نماید. به همین دلیل است که حقوق جزای اختصاصی در مباحث حقوق پزشکی حضور می‌یابد تا از هر گونه سو استفاده‌ای قبل از آن که اقدام مجرمانه صورت بگیرد جلوگیری نماید.

ب- بزه کاری ژنتیکی، تصویری از یک بزه کاری مدرن

همان گونه که بزه کاری انفورماتیک به دلیل اعتماد بیش از حد به ادله علمی شکل گرفته، بزه کاری ژنتیکی نیز این گونه پدید آمده است. متقن بودن دلیل ژنتیکی که مورد توجه دادرس است نقطه قوت و در عین حال نقطه ضعف روش تشخیص هویت ژنتیکی است؛ چرا که با توجه به درصد بسیار ضعیف خطاپذیری آن به طور تمام و کمال می توان به آن اعتماد نمود. اما همین اعتماد که بر حتم علمی استوار است یک نقطه ضعف به شمار می رود زیرا این خطر را برای دادرس همیشه به همراه دارد که وی به طور خود به خودی (و یا حتی با علم و یقین) از این روش تبعیت نماید. اگر چه قاضی نسبت به سایر ادله مانند اقرار و شهادت هوشیارانه و با احتیاط عمل مینماید ولی نسبت به رد ژنتیکی اعتماد مطلق به این دلیل می تواند بسیار خطرناک باشد چون احتمال دست کاری شدن تشخیص هویت از روی رد ژنتیکی وجود دارد و یا اینکه تشخیص هویت اساساً به طور غلط ارائه شده باشد. چرا که امروزه این امر بر همگان واضح است که می توان در یک صحنه جرم برای ردگم کردن و منحرف نمودن روند تحقیقات مقدراری مو یا خون از دیگری به جا گذاشت. به این منظور مقنن فرانسه با وضع مقررات جدید، سعی نموده که بر این نواقص حاصل از ورود حقوق پزشکی در قوانین کیفری فایق آید. در این راستا شق چهارم از پاراگراف دوم ماده ۷۵-۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری تعویض آثار ژنتیکی را اینگونه مجازات می نماید: "فردی که باید از وی برداشت بافت [برای تشخیص هویت ژنتیکی] صورت بگیرد، هرگونه اقدام متقلبانه یا قصد انجام اقدامات متقلبانه برای جانشین نمودن مواد بیولوژیکی خود با مواد بیولوژیکی فرد ثالثی، همراه یا بدون رضایت وی، بنماید به سه سال مجازات حبس و ۴۵ هزار یورو جریمه نقدی محکوم خواهد شد."

بزه کاری ژنتیکی تنها به این جنحه ختم نمی‌شود و در مجموعه قوانین کیفری فرانسه موارد دیگری از این بزه کاری مدرن پیش‌بینی شده است. این جرم‌انگاری‌های قانون کیفری فرانسه نسبت به رد ژنتیکی به طور دقیق در موارد ۲۵-۲۶ تا ۳۰-۲۲۶ مجموعه قوانین جزایی ذکر شده است. از این موارد می‌توان به جنحه‌های زیر اشاره نمود: جستجو در کشف هویت ژنتیکی یک شخص با اهداف پزشکی و بدون رضایت وی (ماده ۲۷-۲۲۶)^{۲۹}؛ تحقیق در جهت کشف هویت ژنتیکی با مقاصد غیر پزشکی و علمی و یا خارج از دادرسی قضایی (شق اول ماده ۲۸-۲۲۶)^{۳۰}؛ افشای اسرار مربوط به هویت ژنتیکی افراد (شق دوم ماده ۲۸-۲۲۶)^{۳۱}، انجام عمل کشف هویت ژنتیکی بدون دارا بودن اجازه‌نامه رسمی از مقامات ذی‌ربط (شق دوم ماده ۲۸-۲۲۶)^{۳۲}. شروع به جرم موارد ذکر شده نیز در قانون پیش‌بینی شده و مانند مرتکب جرم اصلی مورد کیفر قرار خواهد گرفت (ماده ۲۹-۲۲۶).

در مورد کارشناسان قضایی که طبق مواد قبلی مجرم شناخته شوند علاوه بر مجازات اصلی، از فهرست رسمی کارشناسان بیولوژیکی، به عنوان مجازات تبعی، حذف خواهند شد. اشخاص حقوقی نیز مانند اشخاص حقیقی می‌توانند مطابق قانون بزه کار ژنتیکی شناخته شده و مجازات‌های مذکور را تحمل نمایند.

نتیجه

با توجه به آنچه که بحث شد، به نظر می‌رسد که با تمام نواقص و کاستی‌ها می‌توان از روش تشخیص هویت ژنتیکی - دستاوردی مهم از حقوق پزشکی در حقوق کیفری - به‌عنوان روشی مدرن برای مقابله با بزه‌کاری امروزه بهره برد. در ایران نیز اگر چه متأسفانه ارجاع به تشخیص هویت ژنتیکی هنوز قانونی نگردیده است، قانون‌گذار می‌تواند با تأسیس آن گامی مهم در راستای تحقق بیش‌تر عدالت بردارد. این روش به دادرسان کمک خواهد نمود که با ادله‌ای تکمیلی و با درصد خطاپذیری بسیار ناچیز به صدور حکم بپردازند. این امر در مورد صدور احکامی سنگین مانند مجازات‌های حدی بسیار راه‌گشا خواهد بود و به تشخیص مجرمیت یا عدم مجرمیت یک متهم کمک شایانی خواهد نمود.

در این راستا تخصیص موادی در آیین دادرسی کیفری راجع به رد ژنتیکی و چگونگی تشخیص هویت براساس آن پیشنهاد می‌گردد. هرچند که قانون‌گذار ایرانی باید نقاط ضعف و نواقص این روش را در تأسیس آن همواره مورد لحاظ قرار دهد و با توجه و رعایت به حقوق اساسی و بنیادین افراد امر به ارجاع آن نماید. هم‌چنین از افراط در استفاده از این روش - که اکنون به ذکر پاره‌ای از آن‌ها در حقوق فرانسه پرداختیم - پرهیز نماید.

هم‌چنین شایسته است که سازمان‌ها و لابراتوارهایی که قرار است به طور رسمی به امر تشخیص هویت ژنتیکی اقدام نمایند تحت نظر مرجعی (مانند پزشکی قانونی) وابسته به وزارت بهداشت، قوه قضاییه و یا وزارت دادگستری فعالیت نمایند. این مرجع تنها باید به لابراتوارهایی که یک‌سری شرایط و استانداردهای لازم را دارا هستند، پروانه رسمی صادر نماید و فعالیت آن‌ها را نظارت کند. در این صورت می‌توان اثرات سویی که در نتیجه عدم مهارت، بی‌دقتی، بی‌احتیاطی و... در استفاده از این روش حاصل می‌شود را تقلیل داده و روش رد ژنتیکی را بیش از پیش برای دادرسان و حقوق‌دانان به‌عنوان دلیلی متقن و قابل اعتماد ارایه داد.

پی‌نوشت‌ها

۱. *empreintes génétiques*. در این می‌حث از آن تحت عنوان «اثر ژنتیکی»، «تشخیص هویت ژنتیکی» و «ردیابی ژنتیکی» نیز تعبیر شده است.

۲. باید توجه داشت که تست ژنتیکی و تکنیک رد ژنتیکی (*empreintes génétiques*) از یکدیگر مجزا هستند. در روش اول که بیشتر برای شناخت وجوه مشابه بین چند فرد می‌باشد (در حقوق مدنی)، از قسمت رمزدار DNA (Codant) استفاده می‌شود، حال آنکه در مورد تکنیک اثر ژنتیکی که برای اثبات وجه تمایز فردی از دیگری است (در حقوق کیفری) قسمت غیر رمزدار DNA (non-codant) مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

3. Alec Jeffreys

4. *technique sonde multilocus*

مقاله تشخیص هویت ژنتیکی در فرهنگ دائم حقوق پزشکی و فناوری‌های زیستی. به روز شده ۴۲. صفحه ۸۴۱.

5. *Amplification génétique*

این روش نسبت به روش‌های قبل دارای مزیت‌هایی می‌باشد: (۱) کمک به تشخیص هویت بدون آلودگی به رادیواکتیو. (۲) سرعت بالای تحلیل ژنتیکی، به جای چندین هفته در چندین ساعت (۳) تسهیل در امکان برداشت از هر بافت و عضوی برای تحلیل؛ برای مثال با این تکنیک می‌توان از ریشه مو برای ردیابی استفاده کرد. همان منبع.

۶. اولین پرونده کیفری که اجازه تحقیقات در امور جنایی از طریق تشخیص هویت ژنتیکی و وضع قوانین جدید در این مورد را در فرانسه تسریع نمود پرونده کارولین دیکینسون (Carolin Dickinson) بود. در این پرونده قاضی تحقیق از همه مردان بین ۱۵ تا ۳۵ سال در یک روستا، خواست که به مراکز پلیسی و قضایی مراجعه نمایند و در جهت تشخیص هویت از طریق ژنتیکی با مسئولان مربوطه همکاری نمایند. در آن زمان "شعبه تحقیق دادگاه تجدید نظر" *chambre de l'instruction* این تصمیم را ابرام نمود ولی چون این پرونده به دیوان عالی کشور نرسید، نظر این دیوان در این مورد معلوم نشد. نهایتاً، استفاده از رد ژنتیکی با قانون ۲۹ ژوئیه ۱۹۹۴ (یعنی ۹ سال پس از ابداع آن در انگلستان) مشروعیت یافت.

7. *déclaration internationale sur les données génétiques humaines*

۸. اعلامیه جهانی داده‌های ژنتیکی بشری حاوی موارد مهم زیر می‌باشد:

(۱) ماده ۲: مساعی جمعی برای تعریف نمودن "رضایت" در "تست ژنتیکی" که در "مطالعه ژنتیکی رفتاری" نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. (در مورد مفهوم رضایت در بخش دوم این مجت‌به تفصیل سخن خواهیم گفت).

(۲) ماده ۳: هویت هر شخص تنها مشخصات ژنتیکی وی نیست؛ به دلیل آنکه عوامل موثر دیگری مانند: آموزش و تربیت، محیط، روابط اجتماعی و فرهنگی با دیگران به‌طور کارآمدی تاثیر گذار است.

(۳) مواد ۴ تا ۶ شامل جزئیات بیشتر بر اهداف رد ژنتیکی، نحوه و چگونگی استفاده از داده‌های ژنتیکی است، مواد ۸ تا ۱۱ به طور دقیق‌تری رضایت در برداشت ژنتیکی را بررسی می‌کند. همچنین مواد ۱۳ تا ۱۵ درباره نحوه عملکرد، ۱۶ تا ۱۹ طرز استفاده و ۲۰ تا ۲۲ در مورد طرز نگهداری از این گونه داده‌ها می‌باشد.

۴) در آخر، قواعد و قوانین کلی که دولت‌ها موظف به وضع آن در جهت اجرای این اعلامیه جهانی هستند بیان شده، همان‌گونه که ماده ۲۳ دولت‌ها را تشویق به آموزش اخلاق در موضوع ژنتیک می‌نماید. و نهایتاً موضوع اهمیت‌دهی دوباره به حقوق بشر، آزادی بشری و حیثیت و شرافت انسانی که دولت‌های متعهد به اعلامیه را از هرگونه رد ژنتیکی خارج از چارچوب منع می‌نماید. منبع: سایت یونسکو

۹. ماده ۱۱-۱۶ قانون مدنی فرانسه مقرر می‌کند که:

"تشخیص هویت یک فرد براساس رد ژنتیکی تنها در قالب بازجویی یا تحقیقات کیفری در جریان دادرسی یا برای مقاصد پزشکی یا تحقیقات علمی یا تشخیص هویت یک فرد نظامی که حین مأموریت نظامی و یا آموزش وابسته به آن فوت نموده باشد، امکان‌پذیر خواهد بود.

در زمینه حقوق مدنی، زمانی که قاضی برای تحقیقات نسبت به اثبات یا رد رابطه نسبییت یک فرد، اجرای آن را لازم بداند، این تشخیص هویت صورت خواهد گرفت. رضایت فرد مذکور باید ابتدائاً و به‌طور صریح کسب شده باشد. پس از مرگ وی هیچ تشخیص هویتی در این زمینه صورت نخواهد گرفت مگر اینکه در زمانیکه وی در قید حیات بوده است، این اجازه را به‌طور صریح اظهار نموده باشد.

زمانیکه تشخیص هویت برای مقاصد علمی و یا پزشکی است رضایت صریح شخص باید به‌طور کتبی بعد از اینکه کاملاً از طبیعت و اهداف این امر آگاه گردید و قبل از اجرای تشخیص هویت انجام پذیرد. در رضایت فرد باید هدف تشخیص هویت ذکر گردد. اینچنین رضایتی در هر لحظه و بدون هیچ‌گونه شرایط شکلی قابل رجوع است."

۱۰. در این رابطه آیین‌نامه بهداشت مورخ ۲۳ ژوئن ۲۰۰۲ مجموعه قوانین بهداشت عمومی را کامل نموده و شرایط و نحوه اجرای برداشت ژنتیکی، تشخیص ژنتیکی و دلایل پزشکی آن را به صراحت ذکر کرده است.

۱۱. زیرا اگرچه به محض کشف تکنیک ردیابی ژنتیکی، این روش به صورت یک انقلاب در ادله اثبات دعوی جلوه نمود؛ با این حال به‌طور مطلق قابل اعتماد نیست؛ برخی اوقات روشی که برای تشخیص هویت ژنتیکی اتخاذ می‌شود کامل نیست و یا کارشناسی که به این امر مبادرت می‌ورزد، تجربه و مهارت لازم را ندارد... همه اینها مطلق‌گرایی رد ژنتیکی را زیر سؤال می‌برد.

۱۲. قانون ۲۹ ژوئیه ۱۹۹۴ که مربوط به "عدم تعرض به جسم انسان" می‌شود در بخش سوم از قسمت اول کتاب یکم قانون مدنی فرانسه شرایط و چگونگی صلاحیت اجرای ردیابی ژنتیکی را به‌طور مفصل بیان کرده است. این بخش عنوان "مطالعه ژنتیکی رفتاری یک شخص و تشخیص هویت وی براساس آثار ژنتیکی فردی" را داشت. پس از رسمی شدن اجرای قانون حقوق پزشکی (Bioethique) مصوب ۶ اوت ۲۰۰۴ این بخش به "آزمایش رفتارهای ژنتیکی یک شخص و تشخیص هویتی وی براساس آثار ژنتیکی فردی" تغییر نام یافت. همچنین ماده ۱۲-۱۶ قانون مدنی در این مورد پیش‌بینی نموده که تنها اشخاص و لابراتوارهایی که موافقت رسمی دولتی دارند می‌توانند به امر تشخیص هویت مبادرت ورزند. این موافقت مطابق مجموعه قوانین بهداشت عمومی و براساس آیین‌نامه ۶ فوریه ۱۹۹۷ به‌طور کلی برای ۵ سال است که می‌تواند تمدید گردد. چگونگی آن به این صورت است که یک شورای تخصصی متشکل از یازده عضو از وزارت دادگستری که ریاست آن برعهده یک قاضی دیوان عالی کشور است، می‌تواند این توافق‌نامه رسمی را تمدید نماید.

چگونگی اخذ این موافقت بستگی دارد به اولاً؛ شایستگی و تجربه شخصی که تقاضای تمدید کند و ثانیاً به لابراتوار مرکزی که امر تشخیص هویت ژنتیکی در آن صورت می‌گیرد، طوری که این مراکز بایستی با استانداردهای تکنیکی در زمینه زیست‌شناسی ملکولی (Biologie moléculaire) سازگار باشد.

13. Le principe du recours aux empreintes génétiques.

۱۴. توصیه‌نامه شورای وزرا، مقدمه، ۱۰ فوریه ۱۹۹۲.

۱۵. این قانون در راستای اجرای ماده ۱-۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به تصویب رسید زیرا ماده ۱-۶ "اصل دادرسی منصفانه" (le droit à un procès équitable) را برای طرفین دعوی متذکر می‌شود. آنچه که از "دادرسی منصفانه" انتظار می‌رود یک دادرسی برابر، دو طرفه، تابع اصول برابری و بی‌طرفی، احترام به حقوق مجنی علیه و حقوق مظنون به ارتکاب جرم می‌باشد. "دادرسی منصفانه" همچنین حضور متهم در دادگاه با وکیل مدافع و نیز مقرر نمودن مهلتی منطقی برای آماده شدن در دادرسی و یا حق درخواست تجدید نظر از رای صادر شده علیه وی، را دربر می‌گیرد.

۱۶. همچنین قانون در برخی موارد اجداد و اولاد افرادی که ناپدید شده‌اند را ملزم به برداشت اثر ژنتیکی می‌نماید. این امر در جهت تحقیقات و جستجو در مورد علت ناپدیدشدگی مشکوک می‌باشد (ماده ۱۰-۵۳ R مورد پنجم). آیین دادرسی کیفری همچنین به این موارد، افرادی که حتی مظنون نیستند را اضافه می‌نماید؛ شهود با توجه به شق اول ماده ۱-۵۵ که بیشتر ذکر گردید، تابع مقررات برداشت ژنتیکی خواهند بود. اما باید توجه داشت که رد ژنتیکی آنها، برخلاف بزهکاران جرایم جنسی و یا غیرجنسی (که در سطور پایین تر به تفصیل از آن سخن خواهیم گفت)، با توجه به تفسیر شورای قانون اساسی فرانسه، در مرکز اسناد ملی ژنتیکی، ثبت و نگهداری نخواهد شد.

17. Fichier national automatisé des empreintes génétiques

قابل ذکر است که این مرکز ملی اسناد را نباید با "مرکز ملی اسناد خودکار قضایی راجع به مرتکبین جرایم جنسی (FIJAIS):

"Fichier judiciaire national automatisé des auteurs des infractions sexuelles"

تداخل نمود. بدین دلیل که مرکز ملی اسناد راجع به مرتکبین جرایم جنسی اطلاعاتی نظیر: هویت فرد غیر از هویت ژنتیکی مرتکب، آدرس محل اقامت فعلی و گذشته وی را که در سجل کیفری مرتکب ثبت شده، دربر می‌گیرد (ماده ۲-۵۳-۷۰۶ آیین قانون دادرسی کیفری). هدف از تشکیل این مرکز، مدرن نمودن پیشگیری قضایی از تکرار جرم جنسی می‌باشد همان‌طوری که قانونی که این مرکز را ایجاد نمود تحت عنوان قانون "تجهیز عدالت قضایی در برابر رفتارهای مجرمانه مدرن" نامیده شده است. این قانون در تاریخ ۹ مارس ۲۰۰۴ به تصویب رسید. منبع: م. ورون. ثبت پرونده در مرکز ملی اسناد خودکار قضایی راجع به مرتکبین جرایم جنسی. مجله حقوق جزا. شماره ۲. فوریه ۲۰۰۷.

۱۸. در تقسیم‌بندی کیفری فرانسه بزه یا جرم است یا جنحه یا خلاف. جنحه بزه‌ای است که مجازاتش حسب مورد کمتر از ۱۰ سال حبس یا جریمه نقدی حداقل ۳۷۵۰ یورو باشد. این دسته‌بندی با تقسیم‌بندی قانون مجازات اسلامی ایران که هر بزه را به ۵ طبقه تقسیم می‌کند کاملاً متفاوت است.

۱۹. این مشکل در دیگر کشورهای اروپایی مانند انگلستان حل شده است. در این کشور شاخصه منظمی برای ثبت رد ژنتیکی در نظر گرفته نشده است و به طور خود به خود هویت ژنتیکی مرتکب هر جرم، ثبت می‌شود. همان منبع.

20. Le juge des libertés et de la détention

قضای‌ای که در مرحله تحقیقات مقدماتی می‌تواند قرار بازداشت موقت، تمدید آن یا آزادی متهم را صادر می‌نماید: شماره ۱۴۹ Les petites affiches مراجعه شود به: ن - ژ مازن. تستوتکنیک رد ژنتیکی ابهام قضایی یا قدرت علمی.*

21. "Le Principe d'invidabilité du corps humain"

ریشه‌های این اصل در حقیقت منشأ مذهبی دارد و در لاتین به اصطلاح:

از آنها یاد می‌شود. "Noli me tangere" و "Primum non encore"

۲۲. اصل رضایت به این معنی است که در همه امور پزشکی، رضایت باید ابتدائاً اخذ شده باشد. این اصل شامل استثنائاتی است که در مجموعه قوانین بهداشت عمومی بیان گردیده است، به عنوان مثال حقوق پزشکی فرانسه سیستمی را به عنوان "سیستم رضایت قبلی" به رسمیت می‌شناسد که با توجه به آن می‌توان از فردی که فوت نموده است و با توجه به یک سری شرایط، عضوی را برداشت نمود، مگر اینکه وی قبلاً و در زمان حیاتش در مرکز ثبت ملی خودکار، عدم رضایت خود را ثبت نموده باشد.

۲۳. قاعده ضرورت درمانی (Principe de nécessité thérapeutique) یا قاعده احسان (Principe de bien faisance)

به این معنی است که اصل غیرقابل تعرض بودن جسم انسان می‌تواند زمانی که حیات او رو به مخاطره است، تعدیل گردد. به این صورت که رضایت اولیه مورد نیاز نیست و در جهت درمان وی رضایتش در درجه اول اهمیت قرار نخواهد گرفت. از سال ۱۹۹۴ که تغییراتی در مجموعه قوانین مدنی در مورد حقوق پزشکی صورت گرفت، این اصل نیز دستخوش تحولاتی گردید. از این پس قاعده ضرورت درمانی به قاعده ضرورت پزشکی "nécessité médicale" تغییر نام یافت. ضرورت پزشکی چنانکه از نامش پیداست وسیع‌تر از ضرورت درمانی است، قانون‌گذار با تغییر این اصل راه را برای یک سری تغییرات قانونی بعد از سال ۱۹۹۴ در جهت جرم‌زدایی بیشتر در حقوق پزشکی باز نمود (برای مثال می‌توان از تلقیح مصنوعی خارج رحم نام برد). همچنین قانون ۶ اوت ۲۰۰۴ معروف به قانون حقوق پزشکی با استفاده از این اصل، برخی اقدامات پزشکی که قبلاً امکان آن وجود نداشت، را هموار نمود.

24. "Droit de se taire" یا "Droit de ne pas s'auto-incriminer, droit au silence".

۲۵. حق سکوت در ماده ۶ پاراگراف ۱ و ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که مورد قبول کلیه کشورهای عضو این کنوانسیون می‌باشد، پیش‌بینی شده است. این حق حاصل مستقیم اصل برائت است که بیان می‌دارد: "هر متهم به جرم بی‌گناه شناخته می‌شود تا زمانی که مجرمیت وی به طور قانونی اثبات شود". دیوان اروپایی حقوق بشر مستقر در شهر استرازبورگ، از این ماده در جهت محکومیت کشورهایایی که حق سکوت را برای متهم رعایت نمی‌نمایند، استفاده می‌کند.

۲۶. رای ۱۷ دسامبر ۱۹۹۶، ساندر علیه پادشاهی انگلستان (Saunders C/RU). در این رای دیوان حق سکوت را چنین یادآوری می‌نماید: "حق عدم تقبل مجرمیت در ابتدا مربوط می‌شود به رعایت قدرت حفظ سکوت متهم. همان‌گونه که این حق در سیستم قضایی امضاکنندگان کنوانسیون حقوق اروپایی موجود است. همچنین این حق مربوط است به عدم استفاده از قوه قهریه برای به دست آوردن اطلاعات لازم که خارج از اراده متهم در جریان دادرسی کیفری به دست آید. به عنوان مثال مدارک اخذ شده علیه وی در جریان برداشت ژنتیکی به دست آمده از بازدم، خون، ادرار و یا بافت عضوی وی به قصد آنالیز DNA {که نباید به عنف صورت گیرد}. "منبع: سایت اینترنتی دیوان اروپایی حقوق بشر:

<http://www.echr.coe.int/echr/>

27. Le principe de l'intime conviction

۲۸. این اصل در رای وحدت رویه ۲۴ ژانویه ۱۹۷۳، شعبه کیفری دیوان عالی کشور مورد تأیید قرار گرفته است.

۲۹. یک سال مجازات حبس و ۱۵ هزار یورو جریمه نقدی

۳۰. یک سال مجازات حبس و هزار و پانصد یورو جریمه نقدی

۳۱. یک سال مجازات حبس و هزار و پانصد یورو جریمه نقدی

۳۲. یک سال مجازات حبس و هزار و پانصد یورو جریمه نقدی

فهرست منابع

AMBROISE-CASTEROT, Caroline. Les empreintes génétiques en procédure pénale in Mélanges Bouloc. Dalloz. 2006. P 19 et s.

Empreintes génétiques in Dictionnaire Permanent Bioéthique et Biotechnologie, Éditions Législatives. Mise à jour 42. 1 décembre 2005. P 841 et s.

GUIDIVELLI, André. Le droit pénal de la bioéthique, Les petites affiches. n° 149. 14 décembre 1994.

MAZEN, Noël-Jean. Test et empreintes génétiques du flou juridique ou pouvoir scientifique, Les petites affiches. n° 149.

Rapport du Sénat. L'utilisation des empreintes génétiques dans la procédure pénale, Étude de législation comparée. n° 157. janvier 2006.

VERON, Michel. Inscription au fichier national automatisé des auteurs d'infractions sexuelles, Droit pénal. n° 2. Février 2007.

یادداشت شناسه مؤلف

امین جعفری: دکترای حقوق کیفری تجاری از دانشگاه پاریس، پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی (نویسنده مسؤول)

نشانی الکترونیک: amin_isp@yahoo.fr

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۶/۴/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۶/۵/۳۰